

مرعشیان مازندران

فراگیر شدن تصوّف در قرن ششم و توسعه آن در قرن هفتم و هشتم، همزمان به تضعیف تسنن و تشیع فقهاتی منجر شد. در کنار آن، در مناطق شیعه خیز، نوعی تصوّف سیاسی و انقلابی پدید آمد که سربرداران با دولتی در نیمه دوم قرن هشتم یکی از نتایج آن بود.

نهضت سربرداران خراسان، تأثیر مذهبی مهمی بر اطراف خراسان، به ویژه طبرستان برجای نهاد که از آن جمله تشکیل دولت مرعشیان در مازندران است؛ به طوری که می توان آن را جنبش سربرداران مازندران به رهبری سید قوام الدین مرعشی (م ۷۸۱) نامید.

وی از مریدان عزالدین سوقندی - از شاگردان شیخ حسن جوری و از رهبران سربرداران شیخی - بود. در روزگار خواجه شمس الدین سربرداری، عزالدین کار اداره دراویش حَسَنَیَه (شیخ حسن جوری) را عهده دار بود و در همین ایّام بود که سید قوام الدین فرزند سید صادق مرعشی - از نسل امام زین العابدین (ع) - به خراسان آمد و به خانقاه عزالدین رفت. وی در آن جا مورد احترام قرار گرفت و در زمره مریدان سوقندی در آمد. سید قوامپس از مرگ عزالدین، اندیشه های سربرداری را با خود به مازندران برد و به جمع آوری مرید پرداخت.

در این زمان سید قوام، انقلابی شد و حکم قتل فخر الدوله آخرین امیر باوندی را اعلام نمود. همین امر سبب پناه آوردن کیا افراسیاب، سپهسالار باوندی، به وی گردید. او از مریدان سید و از دراویش شد، اما نتوانست مسلک درویشی را تحمّل نماید؛ بنابراین به کمک فقها، سید قوام را به زندان انداخت و صاحب قدرت گردید.

سید قوام پس از آزادی، با کمک دراویش توانست حکومت دهساله کیا افراسیاب بر مازندران را پایان بخشد.

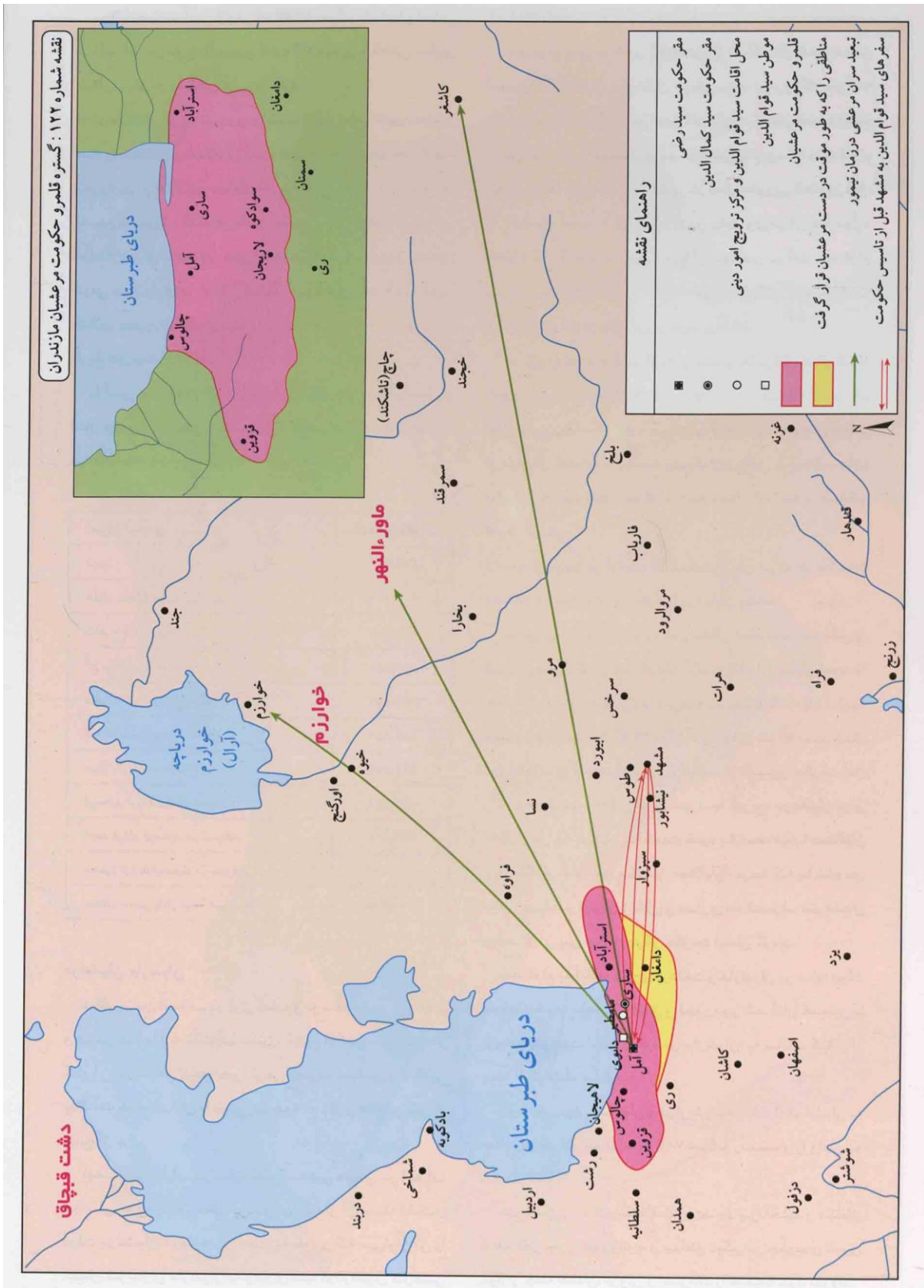
در این زمان، سید قوام با فرزندانش آماده به دست گیری قدرت بود. وی که در ابتدا گوشه عزلت و انزوا را اختیار نمود، به اصرار فرزندانش وارد عرصه سیاست گردید. نتیجه مشورت های صورت گرفته میان آنان، چنین شد که سید کمال الدین فرزند دوم سید قوام، رئیس باشد. او همچنین حکومت آملرا به برادرش سید رضی الدین سپرد. به تدریج، مرعشیان برای استقرار هر چه بیشتر حاکمیت خود به مصاف با مخالفان پرداختند. از جمله این مخالفان «جلالیان» بودند که با نابودی ایشان قریه بارفروش (بابل) و ساری به تصرف مرعشیان درآمد. از آن پس ساری مرکز حکومت ایشان گردید.

سید قوام به آبادی ساری پرداخت و مازندران در سایه دولت شیخیان شیعه مذهب، از فسق و فجور دور شد. آنان همچنین با توجه به موقعیت استوار خود در مازندران، به سادات گیلان از جمله آل کیا کمک می کردند.

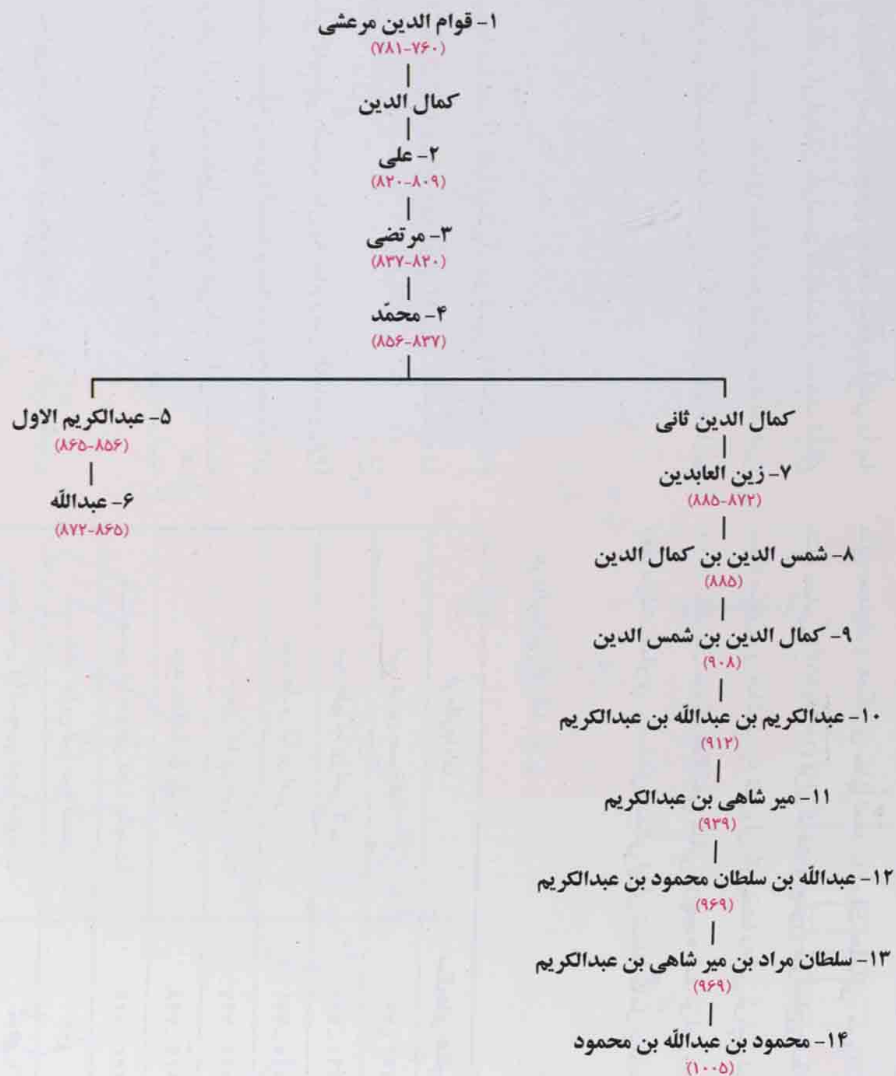
نفوذ آنان میان صوفیان و دراویش سبب شد تا مرعشیان به مدد دراویش بتوانند در سال ۷۸۲ حاکم رستمدرار را وادار به شکست کنند.

مرعشیان به توسعه قلمرو خود پرداختند و مناطق کوهستانی چون فیروزکوه، و مناطق دیگر در جنوب و شرق خود از جمله طالقان، قزوین و استرآباد را ضمیمه خود نمودند.

نقشه شماره ۱۲۲: گستره حکومت مرعشیان مازندران



مرعشیان



از بد حادثه، این زمان، تیمور به کشورگشایی دست زد. او خراسان و استرآباد را گشود و در سال ۷۹۲ پس از فتح عراق عجم به سوی مازندران رفت.

سید کمال، دوبار، برادرش را همراه نامه و هدایایی نزد تیمورفرستاد تا از حمله او به مازندران جلوگیری نماید؛ اما تیمور به درخواست سید کمال الدین، پاسخ نداد و با کمک پیر پادشاه - حاکم استرآباد - به سوی مازندران حرکت کرد. پس از سه روز جنگ، سپاه مرعشیان شکست خورد و تیمور با محاصره دو ماهه قلعه ماهانه سر، موفق به فتح آن شد و تمامی اموال آن را به عنوان غنیمت ضبط کرد.

پس از شکست سادات، سید کمال الدین همراه برادرانش در دوم شوال سال ۷۹۵ نزد تیمور رفتند. تیمور آنان را به ماوراءالنهر فرستاد و از ایشان خواست تا دست از مذهب تشیع بشویند. پس از مرگ تیمور، بقایای سادات مرعشی، نزد شاهرخآمدند و از او اجازه بازگشت به مازندران را گرفتند؛ او نیز ساری و آمل را به آنان بخشید.